

مقدمه: لحظه قطعی | ۹

فصل اول: سال‌های تکوین | ۲۳

صرف نظر از مسیر معمول در کار و زندگی شروع به کار دوباره در کارگاه خانوادگی، کارخانه ریسندگی کارتیه برسون هائری کارتیه برسون جوان تصمیم می‌گیرد خود را وقف نقاشی کند. رفت و آمد به آکادمی آندره لوت و سوررئالیست‌ها ارتباط با دوستان آمریکایی او را به عکاسی علاقه‌مند می‌کند.

فصل دوم: هائری کارتیه عکاس | ۳۹

در بهار ۱۹۳۱ در بازگشت از آفریقا، عکس‌های مارتین مونکاچی برای وی کشف و شهودی را به ارمغان آورد: «چون عکاسی می‌تواند لحظه را جاودان کند»، او عکاس می‌شود و به بوداپست، ورشو، سیه‌نا، مکزیکوسیتی و ... سفر می‌کند. در طی این سفرها، کارتیه برسون سبک خود را پیدا می‌کند، سبکی بین خلوص هندسی و الهام سوررئالیستی. اولین نمایشگاه‌ها به دنبال هم برگزار می‌شوند.

فصل سوم: هائری کارتیه برسون، خبرنگاری بزرگ | ۷۱

پس از جنگ، برسون عکاسی خبری را انتخاب کرد. سال ۱۹۴۷ اولین سال برگزاری نمایشگاه مرور بر آثار گذشته او در گالری موما بود. در همین سال با همکاری رابرت کاپا و چند نفر دیگر آژانس مگنوم را تاسیس کرد. کارتیه برسون زندگی خبری‌اش را با عکاسی از آسیا ادامه داد.

فصل چهارم: زیبایی‌شناسی آثار | ۱۱۹

طرفداری از عکاسی سیاه و سفید، استفاده منحصر به فرد از دوربین لایکا، پرهیز از احساسات‌گرایی، توجه به اصول زیبایی‌شناسی، شکار سوزه در لحظه قطعی... در نظر کارتیه برسون عکاسی «ذهن و دیده و دل را به یک اندازه هدف قرار می‌دهد».

فصل پنجم: شهرت و آیندگان | ۱۴۵

از دهه ۱۹۷۰ به بعد برسون دیگر برای مطبوعات کار نکرد و بیشتر به طراحی و انتشار کتاب روی آورد. طرح‌هایی که از اندیشه‌ها و تفکر او می‌گفتند. با احترام و درود بر او که «چشم قرن» لقب گرفت.

نوشته‌های کارتیه برسون درباره عکاسی | ۱۶۷

باید بنگریم

بعد بیندیشیم

سپس بنگریم

و باز بیندیشیم

بنگریم

بیندیشیم

تا ابد ...

عن یک رسانه ام، مشاهده می کنم، مشاهده می کنم، مشاهده می کنم، با چشمانم
چیزها را می فهمم.

هانری کارتییه برسون، مارس ۱۹۶۳.

در پرسه زدن هایم در کوچه پس کوچه های پاریس، به فضایی با معماری مدرن
رسیدم، جایی که مرکز پومپیدو^۱ نام داشت. در کتابخانه، این کتاب را یافتم و
مستاقانه خواندمش. به دلیل کاربردی بودن مطالب، نثر روان و ناشر معتبر، به این
فکر افتادم که چه خوب است نسخه فارسی این کتاب را به علاقمندان در ایران
هدیه کنم.

سال هاست که نام برسون را به عنوان یک عکاس مستندنگار می شنویم و همه ما
کمابیش با او آشنا هستیم. ولی شناخت ما از او محدود و ابتدایی است، و به دقت
روش عکاسی اش و آنچه در دوران کار هنری اش گذشته است، را نمی شناسیم.
این کتاب انباشتی از نکات و داده های تاریخی دوران برسون بوده و تا حدی به
زندگی نامه شبیه است.

برسون برجسته ترین نماینده عکاسی خبری به شمار می رود و آگاهی از نظریات و